

انکاره‌های روایی ناستوار در ازدواج پیامبر اکرم (ص) و زینب بنت جحش با تاکید بر لغزش‌های خاورشناسان

اعظم سادات شبانی^۱، حسین ستار^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۴/۲۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۶/۱۶)

چکیده

یکی از عوامل مهم در ایجاد افتراء به شخصیت رسول اکرم (ص) توسط مستشرقان معاند، ناآگاه یا کج فهم، وجود اشکالات فراوان در روایات اسلامی است که به فعالیت‌های فقه الحدیثی توسط محدثان و متخصصان این فن نیاز دارد. عمده این روایات که مربوط به عامه مسلمانان است و برخی از آن روایات به جوامع حدیثی شیعه نیز وارد شده است، از لحاظ سندی و متنی اشکالات فراوانی دارد. در رابطه با ازدواج رسول اکرم (ص) با زینب بنت جحش روایات مربوطه معضلات عدیده‌ای را در فهم دقیق آن واقعه ایجاد نموده و لازم است این بار با نگاه منتقدانه به منابع حدیثی، شیوه دیگری از تحلیل افسانه ازدواج پیامبر (ص) با زینب بنت جحش در پیش گیریم. در این پژوهش نقد روایات مربوطه با روش تحلیل محتوا با این هدف صورت گرفت که راه بر نقد نادرست مستشرقان دیگر بسته شود.

کلید واژه‌ها: مستشرقان، ازدواج رسول اکرم، زینب بنت جحش، روایات

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان، (نویسنده مسئول)؛ az.shabani75@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان؛ tadrik1390@gmail.com

۱- بیان مسئله

از جمله سوال‌هایی که مستشرقان و برخی اسلام پژوهان مطرح می‌کنند رفتارهای روزمره حضرت رسول (ص) و تشکیک یا رد عصمت ایشان است. یکی از مواردی که در این رابطه به آن استناد می‌شود ازدواج رسول اکرم (ص) با زینب بنت جحش است که در این زمینه برخی مستشرقان مغرض ایشان را به شهوت و دنیاپرستی متهم نموده و ارتکاب گناه برای پیامبران را امری معقول فرض نموده، اشتباه و تمایلات بشری انبیاء را محال نمی‌دانند. آنان تعدد زوجات پیامبر اکرم و به خصوص ازدواج ایشان با زینب بنت جحش را حجتی در این زمینه تصور نموده و نظرات شاذ خود را بیان می‌کنند.

مسئله مهم دیگر در رابطه با ازدواج پیامبر با زینب، استخراج چندین حکم از این ماجرا و اعتبار فقهی پیدا کردن آن است که خود صحنه‌ای بر اهمیت این ازدواج است. احکامی چون فرزندخواندگی (الأحزاب، ۳۷)، استحباب ولیمه دادن برای ازدواج (ابن بابویه، ۲۳۹/۱؛ شاه ولی‌الله دهلوی، ۲۴/۲)، نیاز نداشتن به اذن ولی زوجه در ازدواج مجدد (ابن بابویه، ۲۹/۵) استحباب خواندن نماز به هنگام آمدن خواستگار و ولایت فقیه از این موارد است.^۱

۱. در رابطه با چگونگی شکل‌گیری این ازدواج و نقد مستشرقان تحقیقات در خور توجهی صورت گرفته که به طرح موضوع پرداخته و با بررسی آیه مربوط به این پیوند اشاره و تفاسیر بازگو شده است. نمونه این پژوهش‌ها در تفاسیر عبارتند از: تفاسیر قرآن کریم ذیل آیات ۳۶-۳۸ سوره احزاب، از جمله تفاسیر جامع البیان، التبیان، روض الجنان، متشابه القرآن و مختلفه، مجمع البیان، التحریر و التنویر، تفسیر القرآن العظیم، الدر المنثور، مفاتیح الغیب و المیزان. در برخی منابع تاریخی و سیره همچون الطبقات الکبری و تاریخ کامل به صورت پراکنده و فشرده آمده است. کتبی نیز در این رابطه نوشته شده است، از جمله: "زوجات النبی (ص) فی واقعنا المعاصر" به قلم جاسم محمد المطوع؛ قاهره: داراقر، ۱۴۲۴ق. مقالات فراوانی نیز در سالهای اخیر در این زمینه به نگارش درآمده است، از جمله می‌توان به مقاله "پیوند آسمانی، نقد افسانه دل‌باختگی پیامبر (ص) به زینب دختر جحش" نوشته علی اسدی در مجله پژوهش‌های قرآنی در پاییز ۹۷ به عنوان آخرین مقاله در این زمینه اشاره کرد. تمامی این پژوهش‌ها بیشتر ناظر به آیات قرآنی بوده و کار روایی و فقه الحدیثی چندانی صورت نگرفته است.

در عین حال مسئله اساسی در این پژوهش، شناسایی و نقد عوامل این اتهام به پیامبر است. با توجه به نظرات مستشرقان در این زمینه در این مقاله، استنادهای آنان را واکاوی نموده و خصوصاً در میان دلایل آنان به روایاتی که استناد کرده‌اند خواهیم پرداخت و با نقد این روایات تلاش می‌کنیم تا منشاء بروز چنین شبهاتی را بررسی و نقد کنیم.

۲- موضع خاورشناسان در ازدواج پیامبر اکرم با زینب بنت جحش

"داستان‌های مربوط به ازدواج پیامبر (ص) با زینب بنت جحش (نک: طبری، ۵۶۲/۲) باعث شده بعضی از مستشرقان از پیامبر(ص) یک "دون ژون" شرقی ساخته‌اند که شیفته زنان است و همچون سلاطین حرامسرا تشکیل می‌دهد. تربیت اخلاقی مسیحیت، زیبایی زن را فریب شیطان می‌شمرد و گرایش به او را فساد و انحطاط، تا جایی که ترک ازدواج را مایه خشنودی خدا می‌داند." (شریعتی، ۱۳-۱۵) عباس محمود عقاد به بیراهه رفتن آنان اشاره می‌کند و می‌نویسد: بر مسلمانی که با دین و سیره پیامبرش آشناست، حقیقت از هر چیزی روشن‌تر است و نحوه انتخاب همسران و شیوه رفتار پیامبر(ص) با آنان حجتی بر حقانیت ایشان است و نیاز به حجتی دیگر نیست. (نک: عقاد، ۲۵۵)

برخی از مستشرقان به ضد زن بودن پیامبر و تبعیض جنسیتی از ناحیه وی اشاره می‌کنند از جمله: رابرت اسپنسر در بخشی از کتابش تحت عنوان "آیا اسلام برای زنان احترام قائل است"، می‌نویسد: "حدیثی از پیامبر اسلام است که می‌گوید بعد از من فتنه‌ای پرضرتر از زنان برای مردان وجود ندارد. جایی دیگر آورده: "بخت و اقبال بد در سه چیز است: اسب، زن و خانه." در ادامه با خلط مباحث زمان پیامبر(ص) و حوادث امروزی در جهان اسلام، با استفاده از نویسندگان مشهوری چون "گرن آمسترانگ"، برداشت نادرست خود را بیان می‌کند. (اسپنسر، ۴-۷۳) او استناداتش را آیات قرآن قرار می‌دهد. (البقره، ۲۲۳، ۲۲۸؛ النساء، ۳۴) سپس آن را با دستور سنت پاول (پولس) در (افسیان ۵، ۲۲)

مقایسه می‌کند که: "زنان باید مطیع شوهرانشان باشند، همانطور که مطیع خداوند هستند." و می‌گوید این حد بالای از اطاعت و کرنش زنان در برابر مردان است که در کتاب مقدس آمده و قابل مقایسه با شدت این مباحث در قرآن نیست. (همانجا، ۷۵). او همچنین به مباحث "کنیزان"، "چندزنی"، "طلاق"، "ختنه زنان" و "کتک زدن زنان" می‌پردازد.

"ابن وراق"، در کتابش تحت عنوان "چرا من مسلمان نیستم"، به تخریب اسلام و سیاه نمایی از اندیشه‌های اسلامی پرداخته است. او در بخشی تحت عنوان زنان و اسلام مطالبی را بیان کرده که به شدت دیدگاه اسلامی را درباره زن زیر سوال می‌برد. (ابن وراق، ۲۹۰-۳۲۷)

در کتب مستشرقان بعضاً مشاهده می‌شود آنان برای تضعیف شخصیت حضرت رسول(ص) از روایات طبری و دیگر روایات مربوط به این ماجرا نهایت استفاده را می‌برند تا با تکیه بر منابع اسلامی تهمت‌های خود را منطقی‌تر جلوه دهند و توجیه کنند. این روایات در بیان و لابلای نوشته‌های مستشرقان به قدری وقیح است که دیگر نیازی به تحلیل آن‌ها توسط مستشرقان نیست و خود این روایات به تنهایی این ضربه عمیق را بر پیکره اسلام وارد می‌کند؛ نمونه این بهره‌گیری از روایات را می‌توان در کتاب "حقیقت محمد" از اسپنسر مشاهده کرد. او با استفاده از روایات طبری، انس بن مالک و دیگر روایات مربوط به ازدواج رسول خدا با زینب بنت جحش نهایت استفاده را در تخریب چهره رسول اکرم(ص) نموده است. (اسپنسر، ۵۹-۶۰)

سر ویلیام موئیر ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش را ظاهراً از روایات عامر بن شعبی و محمدبن یحیی بیان کرده و تحلیل‌های نادرست خود را از منابع تاریخی چون طبری پوشش می‌دهد. (موئیر، ۳۰۰-۳۰۲) آنچه که در روایات این مستشرقان دیده می‌شود بازگویی همان روایات پر از اشکال موجود در برخی از حدیث است. تعداد مستشرقانی که در ورطه مخدوش نمودن چهره اسلام افتاده‌اند کم نیست و این موارد از باب مثال آورده شد.

علاوه بر مستشرقان بسیاری از مفسران مسلمان نیز تفسیر عاشقانه ازدواج حضرت رسول با زینب را بیان کرده و پذیرفته‌اند، از جمله: قمی، زمخشری، سیوطی، بیضاوی و

دیگران. در واقع این دسته از مفسران از روایاتی که برای تحلیل در پیش رو خواهیم داشت استفاده نموده و داستان دلباختگی پیامبر را پذیرفته و نشر داده‌اند. (نک: قمی، ۱۷۵/۲؛ زمخسری، ۲۶۲/۳؛ سیوطی، ۲۰۱/۵؛ بیضاوی، ۲۳۲/۴)

مستشرقان در زمینه شبهاتی که به ازدواج رسول اکرم با زینب بنت جحش وارد کرده‌اند، استنادات زیر را به کار می‌برند: ۱- آیه ۳۷ سوره احزاب ۲- روایاتی مشتمل بر تفسیر آیه فوق و مؤید دلدادگی پیامبر (ص) (سیوطی، ۲۰۴/۵؛ ابن عدی، ۳۳۳/۴؛ ابن اسحاق، ۲۸۳ و ...). ۳- روایات مشهور دیگری که حاکی از تمایل رسول اکرم بر ازدواج‌های متعدد است. مانند: "از دنیای شما سه چیز را دوست دارم، بوی خوش، زن و نماز که نور چشم من است." (ابن بابویه، ۱/۲۴۵) ۴- تفاسیری که داستان دلباختگی پیامبر به زینب را تأیید می‌کنند. (نک: قمی، ۱۷۵/۲؛ زمخسری، ۲۶۲/۳؛ سیوطی، ۲۰۱/۵؛ بیضاوی، ۲۳۲/۴)

از آنجا که هر کدام از این مباحث به طور جداگانه مقال زیادی را می‌طلبند و در عین حال به موارد قرآنی و تفسیری توجه زیادی شده، در این پژوهش تنها به نقد روایات مؤید دلدادگی پیامبر می‌پردازیم.

۳- روایات مناقشه برانگیز

در رابطه با روایاتی که در این زمینه در جوامع حدیثی عامه نقل شده است می‌توان به نه دسته بندی رسید: روایت از انس بن مالک (م ۹۳ق)، عکرمه (۲۵-۱۰۵ق)، عامر بن شعبی (۲۰-۱۰۹ق)، محمد بن یحیی بن حبان (۴۷-۱۲۱ق)، قتاده (۶۱-۱۱۸ق)، ابوبکر بن سلیمان بن ابی حثمه، کلبی (متوفای ۱۴۶)، مقاتل بن سلیمان (۸۰ یا ۹۰-۱۵۰ق) و عبدالرحمان بن زید بن اسلم (متوفای ۱۸۲) که به شرح و نقد این احادیث می‌پردازیم:

۳-۱- روایات نقل شده از انس بن مالک (م ۹۵ق).

محمد بن ابی بکر مقدمی از شاگردان حماد بن زید از انس بن مالک نقل می‌کند که زید بن حارثه نزد پیامبر رفته و از زینب شکایت می‌کند، رسول اکرم (ص) او را به تقوای الهی و حفظ

همسرش دعوت می‌کند. انس می‌گوید: اگر رسول اکرم می‌خواست چیزی را پنهان کند این امر را باید پنهان می‌نمود. زینب همیشه به همسران پیامبر(ص) فخر می‌فروخت که: ازدواج‌های شما از طریق خانواده‌هایتان بوده؛ اما ازدواج من را خدای هفت آسمان بسته است:

محمد بن ابی بکر المقدمی، حدثنا حماد بن زید، عن ثابت، عن أنس، قال: جاء زید بن حارثة یشکو، فجعل النبی صلی الله علیه وسلم یقول: «اتق الله، وأمسک علیک زوجک»، قال أنس: لو کان رسول الله صلی الله علیه وسلم کاتما شیئا لکنتم هذه، قال: فکانت زینب تفخر علی أزواج النبی صلی الله علیه وسلم [ص، ۱۲۵] تقول: زوجکن أهالیکن، وزوجنی الله تعالی من فوق سبع سموات، و عن ثابت: {وتخفی فی نفسک ما الله مبذیه وتخشی الناس} [الأحزاب: ۳۷]، «نزلت فی شأن زینب وزید بن حارثة» (بخاری، ۱۲۴/۹)

این روایت همچنین از هشت تن دیگر از شاگردان حماد از ثابت از انس نقل شده است. که در این میان عبدالله ابن عبدالوهاب حاجبی این متن را نیز اضافه کرده که "زید می‌خواست همسرش را طلاق دهد و برای مشورت نزد پیامبر آمد. (بیهقی، ۲۶۱/۷) همچنین مؤمل بن اسماعیل نیز این حدیث را با همین سند ولی با روایتی متفاوت نقل کرده و احمد بن حنبل آن را این‌گونه آورده است:

حدثنا مؤمل بن إسماعیل، حدثنا حماد بن زید، حدثنا ثابت، عن أنس قال: أتى رسول الله (ص) منزل زید بن حارثة، فرأى امرأته زینب فکانه دخله - لا أدرى من قول حماد، أو فی الحدیث - فجاء زید یشکوها إلیه، فقال له النبی (ص): "أمسک علیک زوجک، واتق الله" قال: فنزلت: "واتق الله وتخفی فی نفسک ما الله مبذیه" (ابن حنبل، ۴۹۲/۱۹)

نقد این روایت

صرفنظر از اینکه خود این روایات چندان تصور اتهام زن‌بارگی (نعوذ بالله) را بر پیامبر(ص) پدید نمی‌آورد؛ توجه به نکاتی لازم است: مؤمل بن اسماعیل به ضعف حافظه مشهور است لذا حدیثی از سوی او پذیرفته نیست مگر آنکه مؤیدی داشته باشد. (همان) جایکه در حدیث اشاره شده پیامبر به خانه زید می‌رود تنها از مؤمل نقل شده است. هشت راوی دیگر نیز صرف

استناد به حماد بن ثابت، همین نقل از مؤمل را تکرار کرده‌اند؛ در حالیکه مؤمل خود در حدیثش آورده که نمی‌داند این بخش گفته حماد است یا در حدیث بوده است.

۲-۳- روایت عکرمة (۲۰-۱۰۵.ق.)

سیوطی می‌نویسد: "وأخرج عبد بن حمید وابن المنذر عن عکرمة رضی الله عنه... أن النبی صلی الله علیه وسلم دخل یوما بیت زید فرآها وهی بنت عمته فکأنها وقعت فی نفسه" (سیوطی، ۲۰۴/۵) عبد بن حمید و ابن منذر از عکرمة نقل می‌کنند که... روزی پیامبر وارد خانه زید شد و زینب دختر عمه اش را دید و به دلش مقبول افتاد.

نقد روایت

تفاسیر مربوط به این مبحث از عبد بن حمید و ابن منذر چندان در دسترس نبوده و تنها این روایت در سال ۲۰۰۴ به همت "مخلف بنیه العرف" و "دار ابن حزم" به تفسیر ابن حمید تحت عنوان "قطعه من تفسیر الامام عبد حمید" اضافه شد. همچنین تفسیر ابن منذر از آیه ۱۷۲ بقره شروع شده و به آیه ۹۲ سوره نساء ختم می‌شود که تحت عنوان "تفسیر القرآن لابن منذر" موجود بوده و این روایت در این تفسیر اشاره نشده است؛ اما مشکل اساسی آن این است که بین این دو راوی و عکرمة انقطاع سند وجود دارد. چون عکرمة تابعی بوده این روایت را نهایتا می‌توان مرسل نامید. البته در وفات عکرمة اختلاف نظرهایی وجود دارد که بین ۱۰۴ تا ۱۱۵ هجری قمری نظرها متفاوت است (مزی، ۲۰/۲۹۲) ولی نهایتا او به عنوان یک تابعی شناخته می‌شود. بنابراین این حدیث از قوت کافی برخوردار نیست.

۳-۳- روایت عامر بن شعبی (۲۰-۱۰۹.ق.)

این روایت از برده آزاد شده شعبی، ابوسلمه همدانی نقل شده و در سیره ابن اسحاق یونس بن بکیر اینگونه نقل شده است:

یونس عن أبی سلمة الهمدانی مولى الشعبي عن الشعبي قال: مرض زيد بن حارثة فدخل عليه رسول الله صلى الله عليه وسلم يعوده، وزينب ابنة جحش امرأته جالسة عند رأس زيد، فقامت زينب لبعض شأنها، فنظر إليها رسول الله صلى الله عليه وسلم، ثم طأطأ رأسه فقال: سبحان الله مقلب القلوب والابصار، فقال زيد: أطلقها لك يا رسول الله؟ فقال: لا، فانزل الله عز وجل: «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ» إلى قوله: «وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (ابن اسحاق، ۲۶۲)

ابن عدی اسناد این حدیث را اینگونه آورده است:

"حدثنا الساجی، حدثنا الحسن بن علی الواسطی، قال: حدثنا علی بن نوح، حدثنا محمد بن كثير، حدثنا سليم مولى الشعبي عن الشعبي... " (ابن عدی، ۳۳۳/۴)

نقد روایت

شعبی در این روایت از سه نفر صحبت به میان می‌آورد: پیامبر اکرم (ص)، زید بن حارثه و زینب بنت جحش که همه قبل از تولد او از دنیا رفته‌اند و نگاه حضرت رسول به زینب و کلیه وقایع به شکل سوم شخص نقل شده و در واقع به شکل شرحی از اتفاقات است و نه مکالمات مستقیم و بی واسطه ای که بتواند اطمینان خاطر بیشتری را از جهت نقل قول برای مخاطب پدید آورد. شعبی خود مستقیم به نقل این حدیث پرداخته در حالیکه انتظار می‌رود دست کم دو نفر دیگر در سلسله این اسناد برای نقل مستقیم این روایت و شرح حال آن وجود داشته باشند تا بتوان حدیث را پذیرفت. همچنین سلیم برده آزاد شده شعبی که نام دومش ابو سلمه است راوی ضعیف است و در روایاتی که نقل کرده قطعی سلسله اسناد دارد. (ابوذرعه، ۴۳۲/۲؛ ابن عدی، ۳۳۳/۴؛ بغدادی، ۱۱۰/۲۲؛ ابن جوزی، ۱۲/۲؛ عسقلانی، ۱۱۲/۳)

همچنین علی بن نوح راوی خوش نامی نیست و ابن عدی به این مطلب اشاره کرده است. (آلبانی، ۷۹۹/۱۴) محمد بن کثیر هم اگر همانند سلیم کوفی باشد همان ابواسحاق محمد بن کثیر قرشی است که معروف به راوی ضعیف است. (عسقلانی، ۴۱۸/۹)

اطلاعاتی از زمان تولد و مرگ سلیم در دست نیست اما یونس بن بکیر که از او نقل می‌کند در سال ۱۹۹ق. در سن ۸۰ سالگی وفات یافته است. این زمان به سادگی پرشدنی نیست.

۳-۴. روایت محمد بن یحیی بن حبان (۴۷-۱۲۱ق)

ابن سعد می‌نویسد:

أخبرنا محمد بن عمر، قال: حدثني عبدالله بن عامر الأسلمي، عن محمد بن يحيى بن حبان قال: جاء رسول الله صلى الله عليه وسلم بيت زيد بن حارثة يطلبه وكان زيد إنما يقال له زيد بن محمد فرما ففقد رسول الله صلى الله عليه وسلم الساعة، فيقول: «أين زيد؟» فجاء منزله يطلبه فلم يجده وتقوم إليه زینب بنت جحش زوجته فضلا فأعرض رسول الله صلى الله عليه وسلم عنها فقالت: ليس هو هاهنا يا رسول الله فادخل بأبي أنت وأمي فأبى رسول الله أن يدخل وإنما عجلت زینب أن تلبس لما قيل لها رسول الله صلى الله عليه وسلم على الباب فوثبت عجلت فأعجبت رسول الله فولى وهو يهمهم بشيء لا يكاد يفهم منه إلا ربما أعلن: «سبحان الله العظيم سبحان مصرف القلوب» فجاء زيد إلى منزله فأخبرته امرأته أن رسول الله أتى منزله، فقال زيد: ألا قلت له أن يدخل، قالت: قد عرضت ذلك عليه فأبى، قال: فسمعت شيئا؟ قالت: سمعته حين ولى تكلم بكلام ولا أفهمه وسمعته، يقول: «سبحان الله العظيم سبحان مصرف القلوب» فجاء زيد حتى أتى رسول الله، فقال: يا رسول الله بلغني أنك جئت منزلي فهلا دخلت بأبي أنت وأمي يا رسول الله لعل زینب أعجبتك فأفارقها، فيقول رسول الله: «أمسك عليك زوجك» فما استطاع زيد إليها سبيلا بعد ذلك اليوم فيأتى إلى رسول الله فيخبره فيقول رسول الله: «أمسك عليك زوجك» فيقول: يا رسول الله أفارقها فيقول رسول الله: «احبس عليك زوجك» ففارقها زيد واعتزلها وحلت يعنى انقضت عدتها، قال: فبينما رسول الله جالس يتحدث مع عائشة إلى أن أخذت رسول الله غشية فسرى عنه وهو يتبسم وهو يقول: «من يذهب إلى زینب يبشرها أن الله قد زوجنيها من السماء؟ ... (ابن سعد، ۸/ ۸۰-۸۱؛ طبری، ۲/ ۵۶۲-۵۶۳؛ حاكم نيشابوري، ۴/ ۲۵)

نقد روایت

اشکالهای این روایت به وضوح مشخص است. اول آنکه محمد بن یحیی بن حبان در ۷۴ سالگی وفات یافت یعنی هنگامیکه به دنیا آمده نیم قرن از ازدواج حضرت رسول گذشته بود و زینب هم ۳۰ سال قبل از آن فوت کرده بود. عبدالله بن عامر اسلمی نیز در دسته راویان ضعیف قرار گرفته است. (عسقلانی، ۲۷۵/۵-۲۷۶؛ ابن عدی، ۲۵۳/۵؛ احمد بن حنبل، ۶۳۸/۲۸) همچنین سیر شاخ و برگهایی که از ابتدا تا کنون به این روایت داده شده و هر بار بیش از قبل می شود کاملاً محسوس است. در حدیثی زینب حجاب نداشت، اما اینجا حجاب دارد. در روایت قتاده که جلوتر خواهد آمد زینب از زینب شکایت دارد و می خواهد به جهت بداخلاقی زینب او را طلاق دهد اما در این روایت تنها می خواهد رسول خدا را راضی نگه دارد.

۵-۳- روایت قتاده (۶۱-۱۱۸ق)

عبدالرزاق صنعانی می نویسد:

عن معمر، عن قتاده... قال قتاده: جاء زيد النبي صلى الله عليه وسلم فقال: إن زینب اشتد علی لسانها، وأنا أريد أن أطلقها، قال له النبي صلى الله عليه وسلم: {أمسك عليك زوجك واتق الله} [الأحزاب: ۳۷]، والنبي يحب أن يطلقها ويخشي قاله الناس إن أمره أن يطلقها، فأنزل الله تعالى: {وتخفي في نفسك ما الله مبديه وتخشى الناس والله أحق أن تخشاه فلما قضى زيد منها وطرا} [الأحزاب، ۳۷] قال قتاده: لما طلقها زيد {زوجناكها} [الأحزاب، ۳۷] (صنعانی، ۴۰/۳)

نقد روایت

ظاهراً برخی زنجیره کوتاه این روایت را پذیرفته اند و با زنجیره دیگری از راویان و نقل کسانی چون "یزید بن زریع" و "سعید بن ابی عروب" از قتاده به صحت آن حکم داده اند. (طبرانی، ۴۲/۲۴) اما روایات قتاده ناقدانی هم دارد و اکثر حدیث شناسان سنی روایات او

را مرسل می‌دانند. شعبی اظهار می‌کند به او شک دارد مانند کسی که دستش را در تازیکی دراز کرده و به جمع هیزم می‌پردازد و نمی‌داند دستش را روی تکه‌ای از چوب می‌گزارد یا مار و بالاخره مار او را نیش خواهد زد. (مزی، ۲۳/۵۱۰) ذهبی مجموعه روایات نقل شده از قتاده را معضل یا منقطع می‌شمارد، و در سلسله اسناد او حداقل دو یا بیشتر از دو راوی را مفقود می‌داند. (ذهبی، ۴۰) البته نظرات کاملاً متغیری با این دیدگاه وجود دارد به عنوان نمونه می‌توان به سخن یحیی اشاره کرد که در قبال اتهام قائل به قدر بودن قتاده می‌گوید اگر بخواهی او را کنار بگذاری عده زیادی از رجال علم را کنار گذاشته‌ای. (عسقلانی، ۳۵۳/۸) او همچنین در میان شیعیان راوی‌ای خوش‌نام و مشهور به دوستی اهل بیت است؛ اما به جهت بررسی روایات اهل سنت و تحلیل‌های خود آنان از بررسی این راوی از منظر شیعه صرف‌نظر می‌کنیم.

به هر حال آنچه که راجع به روایت قتاده می‌توان گفت این است که او از مکنونات قلبی پیامبر عملاً نمی‌تواند آگاه شود تا به حب ایشان به زینب و خواهان طلاق دادن وی توسط زید در روایتش اشاره کند، اینجا نیز روایت نقل داستانی پیدا می‌کند. این روایت این معنا را به خواننده القاء می‌کند که پیامبر آرزوی طلاق زینب توسط زید را داشته ولی نمی‌توانسته چنین درخواستی را از زید داشته باشد. در نتیجه خداوند متعال چنین برای وی مقدر می‌سازد که میل او عملی شود، بدین جهت با اراده الهی زید به شکایت از زینب نزد رسول آمده و می‌خواهد او را طلاق دهد و پیامبر در این گفتگو به زید از سرنوشتی که خدا در نظر گرفته چیزی نمی‌گوید تا مبادا مورد قضاوت دیگران قرار گیرد.

۳-۶- روایت ابوبکر بن سلیمان بن ابی حثمه

طبرانی می‌نویسد:

حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمي، ثنا الحسن بن علي الحلواني، ثنا محمد بن خالد بن عثمة، حدثني موسى بن يعقوب، عن عبد الرحمن بن المنيب، عن أبي بكر بن سليمان بن

أبی حثمة، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم جاء بيت زيد بن حارثة فاستأذن، فأذنت له زينب ولا خمار عليها، فألقت كم درعها على رأسها، فسألها عن زيد، فقالت: ذهب قريبا يا رسول الله، فقام رسول الله صلى الله عليه وسلم وله همهمة، قالت زينب: فاتبعته فسمعته يقول: «تبارك مصرف القلوب» فما زال يقولها حتى تغيب (طبرانی، ۴۴/۲۴)

نقد روایت

ابوبکر بن سلیمان بن ابی حثمه جزء تابع تابعین به شمار آمده و خیلی از او نقل نشده است. با توجه به روایان بعد از او مانند موسی بن یعقوب یا عبدالرحمان بن المهدي مشخص است استاد معروفی نداشته است و در واقع مشایخ او مجهول هستند. (مزی، ۱۷۲/۲۹) به خصوص آنکه موسی بن یعقوب نیز به ضعف حافظه معروف بوده است. (عسقلانی، ۵۴۴) بنابراین حدیث صرفنظر از مرسل بودنش همچنین دارای روایان ضعیف، ناشناخته و دارای ضعف حافظه است. هیشمی نیز به ضعف‌های این روایت و روایانش اشاره کرده و بیان می‌کند طبرانی این حدیث را مرسل روایت کرده است. همچنین روایاتی هم که از ام سلمه آمده نیز ارسال دارد. (هیشمی، ۲۴۷/۹)

متن حدیث نیز به داستان ساختگی ناباورانه‌ای اشاره می‌کند. در حدیث صحبت از پوشش زینب شده که با آمدن رسول سر خود را می‌پوشاند در حالیکه ضرورتی برای این زحمت نبوده و حکم حجاب بعد از ازدواج پیامبر با زینب آمد.

۷-۳- روایت مقاتل بن سلیمان (۸۰ یا ۹۰-۱۵۰ق)

مقاتل بن سلیمان بدون ذکر هیچ سندی روایتی را از خود نقل کرده که در ادامه این‌گونه می‌آورد:

فلم یلبث إلا یسیرا حتی شکا إلى النبی - صلی الله علیه وسلم - ما یلقى منها فدخل النبی - صلی الله علیه وسلم - فوعظها فلما کلمها أعجبه حسنها و جمالها و ظرفها، وکان أمرا قضاء الله - عزوجل - ثم رجع النبی - صلی الله علیه وسلم - و فی نفسه منها ما شاء

الله - عز وجل - فكان النبي - صلى الله عليه وسلم - يسأل زيدا بعد ذلك كيف هي معك؟ فيشكوها إليه فقال له النبي - صلى الله عليه وسلم - : اتق الله وأمسك عليك زوجك وقي قلبه غير ذلك، ... ثم إن النبي - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أتى زيدا فأبصر زينب قائمة، وكانت حسناء بيضاء من أتم نساء قريش فهويها النبي - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فقال: سبحان الله مقلب القلوب. ففطن زيد، فقال: يا رسول الله، ائذن لي في طلاقها فإن فيها كبرا، تعظم على وتؤذيني بلسانها، فقال النبي - صلى الله عليه وسلم - : أمسك عليك زوجك واتق الله، ثم إن زيدا طلقها بعد ذلك (مقاتل، ۳/۴۹۲-۴۹۵)

مقاتل در سال ۱۵۰ق. وفات کرده است در حالیکه زنجیره روایانی در حدیث او مشاهده نمی‌شود و لذا روایتش مرسل است. اما علاوه بر این او علیرغم علم وسیعش راوی ضعیفی بوده و توثیقی نشده است. ذهبی به این مسئله اشاره کرده است. (ذهبی، ۷/۲۰۲). متن حدیث نیز با دیگر احادیث تفاوت دارد. در این روایت پیامبر نزد زینب می‌رود تا او را نصیحت و راهنمایی کند و در حالیکه با او وارد گفتگو می‌شود تحت تاثیر وی قرار می‌گیرد. در واقع مقاتل تحت تاثیر کلبی روایتش را با تفصیل خودش بازگویی می‌کند.

۸-۳- محمد بن سائب الکلبی (متوفای ۱۴۶)

یحیی بن سلام در تفسیرش آورده است:

و قال الکلبی: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم أتى زينب زائرا، فأبصرها قائمة فأعجبته، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم سبحان الله مقلب القلوب، فرأى زيد أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قد هويها فقال: يا رسول الله ائذن لي في طلاقها، فإن فيها كبرا وإنها تؤذيني بلسانها، فقال له رسول الله صلى الله عليه وسلم: اتق الله وأمسك عليك زوجك، فأمسكها زيد ما شاء الله ثم طلقها، فلما انقضت عدتها أنزل الله نكاحها رسول الله صلى الله عليه وسلم من السماء (یحیی بن سلام، ۲/۷۲۱-۷۲۲)

نقد روایت

کلبی در روایت خودش به هیچ منبع موثقی اشاره نمی‌کند و خودش نیز در زمره راویان مطرود است. (ذهبی، ۲۴۸/۶-۲۴۹) این روایت این گونه نقل می‌شود که زید وقتی نگاه پیامبر و تمایل او را به همسرش دید او را طلاق داد ولی دلیل طلاقش را رفتار نامناسب زینب اعلام می‌کند تا بهانه‌ای شود که پیامبر به زینب برسد. این امر بسیار عجیب می‌نماید چرا که از لحاظ منطقی و احساسی نمی‌توان به شریک زندگی خود بی‌تفاوت بود و تا این حد منفعلانه برخورد کرد و این مسئله دیگر اطاعت از رسول خدا نیست به خوبی می‌توان دید که سیر داستانی این حدیث چگونه و رفته رفته دچار تحولات و توهّمات اساسی می‌شود.

۳-۹- عبدالرحمان بن زید بن اسلم (متوفای ۱۸۲)

طبری می‌گوید:

حدثنی یونس بن عبد الأعلى، قال: أخبرنا ابن وهب، قال: قال ابن زید: كان النبي ص قد زوج زيد بن حارثة زینب بنت جحش ابنة عمته، فخرج رسول الله ص يوماً يريده، وعلى الباب ستر من شعر، فرفعت الريح الستر فانكشف وهي في حجرتها حاسره، فوقع إعجابها في قلب النبي ص، فلما وقع ذلك كرهت إلى الآخر، قال: فجاء فقال: يا رسول الله، إنني أريد أن افارق صاحبتي، فقال: مالك! أرايك منها شيء! فقال: لا والله يا رسول الله، ما رأيت منها شيء، ولا رأيت إلا خيراً فقال له رسول الله ص: أمسك عليك زوجك واتق الله، فذلك قول الله عز وجل: «وإذ تقول للذي أنعم الله عليه و أنعمت عليه أمسك عليك زوجك واتق الله وتخفي في نفسك ما الله مبديه»، تخفي في نفسك ان فارقها تزوجتها. (طبری، ۲۷۴/۲۰؛ طبری، ۵۶۳/۲)

نقد روایت

عبدالرحمان بن زید بن اسلم از نسل بعد از تابعان بوده و در سال ۱۸۲ در می‌گذرد. بنابراین روایت او مرسل است. همچنین راوی ضعیف است. (عسقلانی، ۱۷۷/۶-۱۷۹) در این حدیث نیز با مسائل متناقض دیگری روبرو می‌شویم: اینجا نه صحبت از این

است که زینب به هنگام حضور رسول اکرم حجاب بر سرش می‌گذارد، نه اینکه به دنبال پوشاندن بدن خود و لباس پوشیدن است. او بی‌لباس در اتاقش بوده و باد وزیدن گرفت و پرده حریر روی در کنار رفت و پیامبر چشمش به زینب افتاد و لب به تحسین او گشود. دیگر در اینجا شکایتی نیز از زید وجود ندارد تا به عنوان دلیل جدایی خود بیان کند بلکه او به نفع پیامبر و برای خواسته او می‌خواهد پایش را کنار بکشد و این دقیقاً با روایت انس بن مالک در تضاد است که شاکی بود و اعتراض زینب را نزد رسول (ص) برده بود.

جمع‌بندی

تمام روایات مذکور در چند نکته با هم مشترک هستند:

۱. سندهای کاملی نداشته و در سلسله زنجیره روایان گاه دو یا سه راوی مفقود است.
 ۲. روایانی ضعیف این روایات را نقل کرده که اکثر حدیث شناسان اهل سنت به ضعف آنان تصریح کرده‌اند و این ضعف تا اندازه‌ای نیست که بتوان از آن عبور کرد و با دلایل محکم دیگر آن را پذیرفت.
 ۳. از لحاظ متنی نیز روایات مشکلات عدیده‌ای دارند و با توجه به زمان روایان مشاهده شد که هرچه حدیث جلوتر می‌رود مطالب باور نکردنی و قصه بافی در آن بیشتر شده است که این خود نشان دهنده ضعف شدید این احادیث است.
- ممکن است این سوال پیش آید که ضعف یک راوی در یکی دو مورد نمی‌تواند منجر به تلقی ضعف حدیث شود و با توجه به تبصره‌هایی که در علم رجال وجود دارد می‌توان برخی از اشکالات را نادیده گرفت. باید گفت درست است که صحت یک حدیث به عوامل مختلفی بستگی دارد و با توجه به منع کتابت حدیث اشکال‌هایی در عرضه حدیث پدید آمد که نهایتاً ما را از داشتن حدیث کاملاً بی‌عیب و نقص محروم می‌سازد و تعداد احادیث متواتر بسیار اندک است؛ اما با تفقه بیشتر می‌توان نتایجی را از احادیث مذکور در جهت نپذیرفتن و نقد آن‌ها ارائه داد:

● غیر از ضعف راویان که در مورد برخی از آنان این ضعف جدی است، باید گفت که این احادیث از لحاظ متنی نیز بسیار نا استوار بوده و با گذشت زمان دستخوش تحولات عجیبی شده است و این موارد پیش از این ذکر شد.

● دیگر آنکه اعتقاد شدید اهل سنت به اتصال حدیث به پیامبر(ص) یا صحابه این نا استواری در مورد احادیث مرفوع به تابعین بیشتر کرده و از اعتبار آن می‌کاهد. این اشکال چندان به شیعه وارد نیست چون ائمه اطهار(ع) با وجود تابعی بودنشان حکم یکسانی را چون پیامبر(ص) برای شیعیان در حدیث دارا هستند. هر چند احادیث عامه با قرار گرفتن در زمره احادیث مرسل، دارای ضعف سندی باشند اما با متن آن چه باید کرد که گاه روایت داستانی دارد و نه نقل مستقیم و گاه صفاتی از رسول اکرم به نمایش می‌گذارد که با سنت آن حضرت، آموزه‌های اخلاقی و رسالت ایشان سازگار نیست. سوم آنکه با پذیرفتن این راویان، با رجوع به قرآن کریم در درک این مفاهیم به شدت دچار چالش می‌شویم چون از آیات مربوطه، روایتهای این راویان حاصل نمی‌شود. در این مورد پژوهشهای زیادی صورت گرفته که برای فهم بهتر لازم است به آن‌ها مراجعه کرد.

ع- چند نکته

تمامی این روایات بیان‌گر عشق پیامبر(ص) به زینب است. آیا پیامبر دچار عشق ممنوعه شده و عاشق زنی شوهردار می‌شود؟ در پی این سوال استدلال‌های عقلی زیر مطرح می‌شود:

۱. حکم حجاب برای زنان بعد از این ماجرا واقع شد و این توجهی که در روایات فوق آمده است می‌توانست همیشه وجود داشته باشد.
۲. زینب دختر عمه رسول(ص)، از کودکی همیشه در برابر چشمان وی قرار داشته است.
۳. خود حضرت وی را برای زید خواستگاری کرد.
۴. گله زید از زینب مسئله تازه ای نبود و این دو زوج از همان ابتدا اختلافات زیادی

داشتند و زینب و خانواده او راضی به این ازدواج نبودند.

۵. زینب پس از ازدواج همواره با رسول الله در تماس بوده و عروس پیامبر (ص) محسوب می‌شده است.

۶. اگر چنین داستانی صحیح بود، آیا زید سکوت می‌کرد و اعتراضی به رسول (ص) نمی‌کرد و پسرش اسامه نیز عکس‌العملی نشان نمی‌داد و در جنگ به فرمان رسول (ص) شرکت می‌نمود؟

۷. چطور ممکن است پیامبر (ص) به اصول اخلاقی سفارش بنماید که سر زده وارد خانه ای نشوید ولی خودشان این موضوع را رعایت نکنند؟

"شیخ صدوق در معانی الاخبار با سند خود از ابن ابی هاله تمیمی از امام حسن بن علی (ع) روایت می‌کند: از دایم هند بن ابی هاله که توصیف کننده پیامبر (ص) بود، از صفات رسول اکرم سوال کردم... حسین (ع) گوید: از پدرم پرسیدم رفتار رسول الله در منزل چگونه بود؟ فرمود با اجازه وارد منزل می‌شد و..." (عسکری، ۸-۲۷۷)

۸. زمان اتفاق این ماجرا داستان دلبستگی عاشقانه پیامبر (ص) با عایشه زبائزده همه است. عایشه حسود، هوشیار و حساس چگونه در برابر دلباختگی محمد (ص) به زنی سکوت می‌کند؟

۹. در سال‌های جوانی رسول (ص) با عشق نا آشنا بوده و ناگهان در ۶۰ سالگی با عشقی برق آسا روبرو می‌شود؟ (نک. شریعتی: ۳۵-۳۹)

نکته دیگر آنکه گرچه مستشرقان خطا و اشتباه را از پیامبر اکرم (ص) امری عادی پنداشته و عصمتی برای ایشان قائل نیستند؛ اما در بین برخی اندیشمندان مسلمان نیز این تصور وجود دارد که پیامبر می‌تواند خطا کند و برای تمایلات و رسیدن به عشق خود تلاش کند. شاید بتوان گفت این اندیشه بیشتر در بین نواندیشان مسلمانی که مبهوت فعالیت‌های علمی مستشرقان شده اند بیشتر مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه به نظرات عایشه بنت الشاطی به عنوان یک نواندیش معاصر اشاره و نقد می‌کنیم:

بنت الشاطی در مقاله "تراثنا التقافی بین ایدی المستشرقین"، ستایش خود را از مستشرقان در برخورد با نسخه‌های خطی ابراز کرده و مسلمانان را در این کار ناکارآمد به شمار می‌آورد. (زمانی، ۵۶) او بعد از استناد به طبری، کتب سیره و قول برخی از صحابه، به آیه ۳۷ سوره احزاب اشاره می‌کند و در مقابل مخالفان اندیشه خود همچون هیکل، ابراز تعجب می‌کند که چرا چنین امر انسانی را نمی‌پذیرند. سپس به بشر بودن رسول الله (ص) اشاره نموده و آن را امری کاملاً طبیعی تلقی می‌نماید. آنگاه با اشاره به اظهارات هیکل در کتاب زندگانی محمد (ص) در صفحات ۲۹۳ و ۲۹۴ می‌نویسد دشمنان از زمان جنگ‌های صلیبی عداوتشان ریشه دوانیده؛ اما تاریخ طبری پیش از جنگ‌های صلیبی به رشته تحریر در آمده است، لذا نظرات افرادی چون هیکل ما را از حقیقت دور می‌کند. او این نظرات را در کتاب "نساء النبی" خود آورده ولی در همین کتاب گاه خود سخنانش را نقض کرده است. از جمله در رابطه با انتخاب رسول اکرم (ص) به عنوان همسر توسط حضرت خدیجه (س) می‌نویسد: "در آن وقت محمد (ص) بشر مجرد از سمت رسالت بود و هنوز عصر پیامبری که او را از سایر افراد بشر برتری نمود وارد شخصیتش نشده بود." (بنت الشاطی، ۱۸) در واقع پیامبر بعد از رسالت از نظر بنت الشاطی دارای ویژگی ممتاز پیامبری می‌شود و این خود نقض حرف پیشین اوست. از طرفی دیگر در نقد احادیث و روایت طبری دیدیم که این روایات کاملاً مخدوش و غیر قابل استناد است.

بشر بودن پیامبر (ص) در قرآن کریم به خاطر بهانه گیری‌های کفار بوده که از پیامبر (ص) معجزات عجیب و غریبی را درخواست می‌کردند و وحی آمد «انا بشر مثلکم» (الک‌هف، ۱۱۰). بشری را که قرآن کریم از رسول الله به تصویر می‌کشد غیر از بشری است که بنت الشاطی ترسیم می‌کند. فضایل بشری نوع بشر را به درجات عالی، متوسط و پست تقسیم می‌کند و محمد (ص) در بشریت و فضایل بر همه برتری داشت و بشری بود پرورش یافته خداوند (ادب‌بنی ربی فاحسن ادبی) و این مزیتی است که خداوند او را بشری کامل کرد و سزاوار نمود که مربی و راهنمای نوع بشر باشد.

نتیجه‌گیری

۱- از عوامل مهم ایجاد شبهات، وجود منابع غیر مستدل در میراث اسلامی است که بیشتر در احادیث مطرح بوده و لازم است با توجه به حجم بالای این احادیث، حدیث‌شناسان در نقد حدیث و تلاش‌های فقه‌الحدیثی بیشتر از قبل بکوشند. در این مقاله تلاش شد با استفاده از منابع حدیثی و استدلال‌های محدثان و منابع موجود در زمینه نقد راویان و متن احادیث و فعالیت‌هایی که به طور کلی صورت گرفته ولی به شکل پراکنده و همراه با مطالب دیگر در کتب مربوطه آورده شده است، به جمع‌بندی مناسبی از نقدهای وارده به نه حدیث مربوط به ازدواج رسول اکرم با زینب بنت جحش دست یابیم که عمدتاً از منابع اهل سنت و استدلال‌های آنان استفاده شد.

۲- طی این واکاوی مشخص شد کلیه این نه حدیث از استحکام برخوردار نبوده و دارای علل فراوانی است. لذا آنچه که گاه مستشرقان، اسلام پژوهان و برخی مسلمانان اندیشمند به آن در جهت اثبات عشق پیامبر(ص) به زینب استدلال می‌کنند کاملاً مخدوش است.

۳- با استفاده از روش تحلیل محتوا این احادیث در جداول اکسل پیاده شد و با تقسیم‌بندی‌ها و تعاریف ستون‌هایی برای تحلیل، نتایج به دست آمده از اتقان بیشتری برخوردار شد.

۴- در بررسی‌های پیشین مشخص شده بود که مستشرقان منصفی وجود دارند که خود به تحلیل صحیحی از ازدواج پیامبر(ص) پرداخته و اتهامات را در مورد شخصیت رسول اکرم نمی‌پذیرند ولی این افراد در مقایسه با مستشرقان معاند ناچیزند.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. آل اسحاق خوئینی، علی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، قم، انتشارات تلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۳. آلبانی، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة وأثرها السیئ فی الأمة، دارالمعارف، الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ق، ۱۹۹۲م.
۴. ابن ابی ثعلبه، یحیی بن سلام، تفسیر یحیی بن سلام، تحقیق: الدكتور هندی شلیبی، بیروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۵ق، ۲۰۰۴م.
۵. ابن اسحاق، محمد، سیرة ابن إسحاق (کتاب السیر والمغازی)، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، الطبعة الأولى ۱۳۹۸ق، ۱۹۷۸م.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لایحضر الفقیه، مترجم: علی اکبر غفاری و دیگران، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۷ش.
۷. همو، علل الشرایع، مترجم: محمدجواد ذهنی تهرانی، انتشارات مومنین، قم، ۱۳۸۸ش.
۸. همو، الخصال، مترجم: یعقوب جعفری، نسیم کوثر، قم، ۱۳۸۲ش.
۹. ابن الجوزی، الضعفاء و المتروکون، جمال الدین أبو الفرج عبدالرحمن بن علی، محقق: عبدالله القاضي، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۶ق.
۱۰. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، محقق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰ق، ۱۹۹۰م.
۱۱. ابن عدی، عبدالله بن عدی، الکامل فی معرفه ضعفاء المحدثین و علل الاحادیث، محقق: سهیل زکار و دیگران، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
۱۲. ابن منذر، أبو بکر محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن لابن منذر، محقق: سعد بن محمد السعد، مدینه، دارالمآثر، الطبعة: الأولى ۱۴۲۳ق، ۲۰۰۲م.
۱۳. ابوذرع، عبدالله بن عبدالکریم الرازی، الضعفاء، المدینه المنوره، الجامعه الاسلامیه، محقق: سعدی الهاشمی، ۱۴۰۲ق، ۱۹۸۲م.
۱۴. احمد، خورشید، اسلام و غرب، ترجمه: سیدغلامرضا سعیدی، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، قم، ۱۳۴۷.
۱۵. ابن حنبل احمد، ابوعبدالله، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق: شعیب الأرنبوط و دیگران، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ق، ۲۰۰۱م.
۱۶. البغدادی، أبوبکر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدی الخطیب، تاریخ بغداد و ذیوله، بیروت، دار الکتب العلمیة، دراسة و تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ق.
۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲ق.

۱۸. بنت‌الشاطی، عایشه، نساء‌النبی، مترجم: محمدعلی خلیلی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۷ش.
۱۹. بنیه‌العرف، مخلف، قطعه من تفسیر الامام عبد حمید، بیروت، دار ابن حزم، ۲۰۰۴م.
۲۰. بیهقی، ابوبکر، السنن الکبری، محقق: محمدعبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۴ق، ۲۰۰۳م.
۲۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر، تفسیر بیضاوی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۲. الحاج، ساسی سالم، الظاهره الاستشراقیه و اثرها علی الدراسات الاسلامیه، مرکز دراسات العالم الاسلامی، لیبی، ۱۹۹۱م.
۲۳. حاکم نیشابوری (ابن البیغ)، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ق، ۱۹۹۰م.
۲۴. ذهبی، شمس‌الدین، الموقظة فی علم مصطلح‌الحديث، مکتبه المطبوعات الإسلامیه بحلب، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ق.
۲۵. همو، سیر اعلام النبلاء، محقق: مجموعه من المحققین بإشراف الشیخ شعیب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۵ق، ۱۹۸۵م.
۲۶. رشیدرضا، محمد، الوحی المحمدی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
۲۷. زمانی، محمدحسن، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل، قاهره، شرکه مصطفی البابی، ۱۳۸۵ق.
۲۹. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۳۰. شاه‌ولی‌الله، احمدین عبدالرحیم، مصفی شرح فارسی موطا، تهران، افق علم، ۱۳۹۵ش.
۳۱. شریعتی، علی، زن در چشم و دل محمد(ص)، تهران، موسسه بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی مزینانی، ۱۳۸۸ش.
۳۲. صنعانی، ابوبکر عبدالرزاق، تفسیر عبد الرزاق، محقق: د. محمود محمدعبد، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ق.
۳۳. طبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب ابوالقاسم، المعجم الکبیر، محقق: حمدی بن عبد المجید السلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیة، الطبعة الثانية، ۱۴۱۵ق، ۱۹۹۴م.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری: تاریخ الرسل والملوک، بیروت، دارالتراث، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷ق.
۳۵. همو، جامع البیان فی تأویل القرآن، محقق: أحمد محمد شاکر، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ق، ۲۰۰۰م.
۳۶. عسکری، سیدمرتضی، نقش عایشه در احادیث اسلام، بیجا، انتشارات دانشکده اصول‌الدین، ۱۳۸۷ش.
۳۷. عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، محقق: دائرة المعرف النظامیة الهند، بیروت، مؤسسة الأعلمی، الطبعة الثانية، ۱۳۹۰ق، ۱۹۷۱م.
۳۸. همو، تهذیب التهذیب، دائرة المعارف النظامیة، الهند، الطبعة: الطبعة الأولى، ۱۳۲۶ق.
۳۹. همو، تقریب التهذیب، محقق: محمد عوامة، سوريا، دارالرشید، الطبعة الأولى، ۱۴۰۶ق، ۱۹۸۶م.

۴۰. عقاد، عباس محمود، حقائق الاسلام ابطال الخصومه، قاهره، دار نهضه مصر، ۱۹۹۸م.
۴۱. فؤاد، عبدالمنعم، من افتراءات المستشرقين على الاصول العقديه في الاسلام، مكتبه العبيطان، رياض، ۲۰۰۱م.
۴۲. قطب، محمد، المستشرقون و الإسلام، مكتبه وهبه، قاهره، ۱۹۹۹م.
۴۳. قمی، علی بن ابراهيم، تفسيرالقمی، بيروت، دارالسرور، ۱۴۱۱ق.
۴۴. لویون، گوستاو، تاريخ تمدن اسلام و عرب، مترجم: هاشم حسینی، تهران، کتابچی، ۱۳۸۷ش.
۴۵. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، محقق: بشارعواد معروف، بيروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۰ق.
۴۶. مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن، تفسير مقاتل بن سلیمان، محقق: عبد الله محمود شحاته، بيروت، دار إحياء التراث، الطبعة الأولى، ۱۴۲۳ق.
۴۷. هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، محقق: حسام‌الدین‌القدسسی، مكتبةالقدسسی، قاهره، ۱۴۱۴ق، ۱۹۹۴م.
۴۸. هیکل، محمدحسین، زندگانی محمد، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۰ش.
49. Edward W Said, Orientalism, New Delhi, Penguin Books, 1995.
50. Ibn Warraq, why I am not a Muslim, United State, Prometheus books, 1995.
51. Hanks, Patrick; Pearsall, Judy; Stevenson, Angus; Oxford dictionary of English, Oxford University Press, 2010.
52. Muir, Sir William, The Life of Mahomet: From Original Sources, Smith, Elder & CO., London, 1878.
53. Rodinson, Maxime, Muhammad: Prophet of Islam, London, Tauris Parke, 2002.
54. Spenser, Robert, Islam unveiled, United State, Ecounter books, 2002.
55. -----, The Truth about Muhammad, Regnery Publishing, Washington DC, 2006.